



پیش‌تاز

## چند نکته درباره اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری

ف.م. جوانشیر • 26-05-1405 • زمان مطالعه: ۲۰ دقیقه • اقتصاد

### توضیحات

این سری مقالات، بخش‌هایی از درس‌گفتارهای کاپیتال نوشته فرج‌الله میزانی معروف به ف.م. جوانشیر است. فرج‌الله میزانی عضو باسابقه و بلندبالای حزب توده بود که در جریان یورش دوم به حزب در اردیبهشت ۶۲ دستگیر و نهایتاً در شهریور ۶۷ ناجوانمردانه توسط جمهوری اسلامی اعدام شد.

در دوران زندان، او طی ۱۲۰ جلسه اقتصاد سیاسی و مشخصاً کاپیتال مارکس را آموزش می‌داد. این درس‌گفتارها در واقع مجموعه نوشته‌هایی است که او برای این جلسات آماده می‌کرد. نوشته‌هایی که سعی می‌کنند در عین توضیح کلیت و منطق سرمایه‌داری که ابتدا توسط مارکس به طور منسجم صورت‌بندی شده، آن را در بستر شرایط عینی ایران نشان دهد. درس‌های او همچنان بعد از گذشت چند دهه موضوعیت دارند.

ناگفته نماند که عمده مخاطبان او طلاب بودند، و با توجه به مخاطبان‌ش و زمینه مذهبی ایران مخصوصاً در آن دوران، او سعی می‌کرد با آن‌ها با استفاده از ارجاعات مذهبی ارتباط بگیرد. کاری که امروز هم میان قشر مذهبی طبقه کارگر می‌تواند مفید باشد.

این درس‌گفتارها اخیراً به کوشش اکبر قنبری در سه جلد توسط «نشر نگاه معاصر» چاپ شده‌اند. لازم دیدیم که این دروس را منتشر کنیم چرا که باور داریم خواسته این مبارز شریف آموزش توده‌ها و دسترسی حداکثری آن‌ها به این مطالب بود. یاد و خاطره جوانشیر شهید گرامی باد.

### یادآوری نویسنده

آنچه به خوانندگان تقدیم می‌شود کتاب تدوین‌شده‌ای نیست. یادداشت‌های شخصی است که این جانب همواره قبل از صحبت و بیان شفاهی آن‌ها را برای خودم تهیه می‌کنم تا زمینه بحث آماده باشد و بحث تا حد مقدور منظم‌تر انجام گیرد.

قصدم این بود که سر فرصت این یادداشت‌ها را واری و تدوین کرده به خوانندگان تقدیم کنم. ولی متأسفانه فرصت این کار نیست و حال که برخی از دوستان از روی نوار یا متن پیاده‌شده آن مطالب اقتصاد سیاسی را دنبال می‌کنند به همین یادداشت‌های شخصی و به همین صورت پراکنده و تصحیح‌نشده هم به

گمانم می‌تواند سودمند باشد و به هر صورت کامل تر از متن پیاده‌شده نوارهاست.

هنوز از فکر تنظیم و تدوین یادداشت‌ها صرف نظر نکرده‌ام و خرسند خواهم شد اگر از خوانندگان محترم نظر انتقادی یا تکمیلی دریافت کنم و سرافراز خواهم بود اگر از توصیه‌های دوستانه علمی دریغ نمایند و از نقایص احتمالی یادداشت‌ها فقط به عنوان اینکه هنوز تدوین نشده آسان نگذرند و نظر و توصیه خود را تذکر دهند تا در تدوین احتمالی مورد استفاده قرار گیرد.

قبل از هر چیز از لطفی که کرده و برای شنیدن گوشه‌هایی از علم اقتصاد سیاسی مارکسیستی به زندان و به یک معنا به چین 1 آمده‌اید صمیمانه تشکر می‌کنم. نظام اقتصادی-اجتماعی که از رژیم منفور پهلوی به جمهوری اسلامی ایران به ارث رسیده نظام سرمایه‌داری وابسته است که با بقایایی از مناسبات عقب‌مانده فئودالی قاجارها به هم آمیخته است. ما اگر بخواهیم این نظام ظالمانه و ضد مردمی را تغییر دهیم و نظامی شایسته انقلاب و موافق شعارهای آن پدید آوریم باید نواقص و ماهیت آن را به درستی بشناسیم.

در این باره قاعدتاً نباید تردیدی وجود داشته باشد. ولی بسیاری کسانی که معتقدند اصولاً همه چیز روشن است و مطلبی پنهان و ناشناخته نیست تا لازم باشد که برای کشف ماهیت نظام اقتصادی موجود تلاش ویژه‌ای انجام گیرد. برای همین است که پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی ایران نوشته یا گفته‌ای در جهت افشاء ماهیت اقتصاد زمان شاه منتشر نشده، هرچه بحث و جدل پیش آمده مربوط به گوشه‌هایی از عوارض و ظواهر و معلولها بوده و نه ماهیت مناسبات.

آیا واقعاً ماهیت نظام اقتصادی ایران که از رژیم سابق به ارث رسیده و نظام سرمایه‌داری وابسته است برای مردم ما و حتی برای مسلمانان انقلابی ما که دست اندرکار امور اقتصادی هستند شناخته است؟ با جرأت می‌توان به این پرسش پاسخ منفی داد و به استناد معتبرترین نوشته‌های منتشرشده ادعا کرد که ماهیت نظام سرمایه‌داری برای بسیاری از انقلابیون اسلامی شناخته نیست. بسیاری از آن‌ها با آن نظام اعلام دشمنی می‌کنند با این حال آن را نمی‌شناسند و لذا دشمنی شان متوجه علل ماهوی و ارکان اصلی آن نظام نیست، بلکه متوجه برخی از ظواهر و معلول‌های زشت آن است. این ادعا را در همین صحبت‌های کوتاهی که خواهیم داشت با دلیل و مدرک اثبات خواهیم کرد.

آنچه به عنوان مقدمه و مثال ذکر می‌کنیم جمله‌ای است از آیت الله شهید مطهری که می‌گوید:

**در رژیم سرمایه‌داری عملاً بردگی و غلامی در کار است. 2.**

آیا معنای این جمله عمیق که ماهیت سرمایه‌داری را برملا می‌کند برای همه نیروهای اسلامی روشن است؟

شهید مطهری به دنبال آن می‌پرسد:

آیا مالکیت ابزار تولید موجب حتمی تسلط اقتصادی هست یا نه؟

آیا سرمایه‌داری رابطه کار و ثروت را قطع می‌کند یا نه؟<sup>3</sup>

آیا لازمه سرمایه‌داری نقض دموکراسی و استقرار دیکتاتوری هست یا نه؟

آیا سرمایه‌داری معامله ربوی را در متن خود دارد یا نه؟

آیا رژیم سرمایه‌داری عادلانه است یا ظالمانه؟<sup>4</sup>

خود آقای مطهری به این پرسش‌ها پاسخ کوتاه و روشن و دقیقی می‌دهد ولی به جز ایشان چند نفر دیگر از صاحب نظران اقتصادی پاسخ دقیق و علمی این پرسش‌ها را می‌دانند؟ چند نفر از آنان حاضرند با قاطعیت و اطمینان کامل گفته‌های آقای مطهری را تکرار کنند که می‌گویند:

**سرمایه‌داری از لحاظ فقه و اجتهاد موضوع جدیدی است.<sup>5</sup>**

و اگر تکرار کنند چند نفر دقیقاً می‌دانند که جدید بودن موضوع کجاست؟ چند نفر دقیقاً می‌دانند که سرمایه‌داری نظام کاملاً نویی است که در اروپا در چند قرن اخیر پیدا شده به کشورهای اسلامی فقط از صد سال پیش رخنه کرده و لذا فقه‌های اسلامی چون شیخ الطایفه و شهید اول که سهل است حتی شیخ انصاری هم به آن نپرداخته‌اند؟ زیرا چنین نظامی اصولاً در زمان آن‌ها وجود نداشته است تا مسأله را مطرح کند و پاسخ بخواهد؟

متأسفانه چنین کسانی زیاد نیستند. ماهیت اقتصادی سرمایه‌داری در محیط اسلامی ایران وسیعاً شناخته نیست و مخالفت‌هایی که با نظام اقتصادی زمان شاه می‌شود سطحی، پراکنده و غیر مؤثر است. ما هنوز در مرحله‌ای هستیم که اکثریت قاطع کتاب‌های دانشگاهی و نوشته‌های مطبوعات ما نظام سرمایه‌داری را نظام «ابتکار آزاد» می‌دانند و ادعا می‌کنند که مخالفت با سرمایه‌داری به معنای محدود کردن میدان عمل ابتکار و استعداد انسان‌هاست، هنوز در مرحله‌ای هستیم که حتی در جدی‌ترین کتاب‌های اقتصادی - اجتماعی و در نوشته‌ها و گفته‌های شخصیت‌های مورد احترام جامعه هواداران برابری اقتصادی - اجتماعی به انکار تفاوت شخصیت میان افراد مختلف متهم می‌شوند و کسانی با لحن جدی به آن‌ها می‌آموزند که: «نمی‌توان در جامعه کار و شخصیت یک پزشک عالیقدر را برابر یک سپور بی‌سواد گرفت».

به عبارت دیگر ما در این مرحله ابتدایی هستیم که هنوز نمی‌دانیم که مخالفت با تقسیم طبقاتی در جامعه سرمایه‌داری و مخالفت با استثمار سرمایه‌داری کمترین رابطه‌ای با نفی شخصیت و استعداد انسان‌ها ندارد. هنوز هم در روزنامه‌های کشور ما خبر وجود بیش از ۳۰ میلیون بیکار رسمی در کشورهای پیشرفته

سرمایه‌داری را درج می‌کنند و در کنار همین خبر از ضرورت گسترش هرچه وسیع‌تر بخش خصوصی و شکوفایی ابتکار انسان‌ها در جامعه سرمایه‌داری سخن می‌رانند و نمی‌دانند که آن ۳۰ میلیون نفر که چند برابر کل نیروی فعال کشور ماست نه فقط امکان ندارند ابتکار خلاقه خود را به کار اندازند بلکه حتی امکان فروش برده‌وار نیروی کار خود را هم پیدا نکرده‌اند. در این جوامع به اصطلاح «ابتکار آزاد» رشته‌های مهم صنعت و بانک و تجارت آن‌چنان انحصاری است که حتی بسیاری از سرمایه‌داران را هم به این حریم راهی نیست تا چه رسد به صدها میلیون از مردم عادی کشور.

در یک کلمه بگویم نیروهای انقلابی ما ماهیت سرمایه‌داری را نمی‌شناسند و در عین حال که با پدیده‌هایی چون فقر، دیکتاتوری، فاشیسم، جنگ، استعمار، تورم و بیکاری و غیره و غیره اعلام مخالفت می‌کنند دقیقاً نمی‌دانند که چه رابطه‌ای میان این پدیده‌ها و ماهیت سرمایه‌داری وجود دارد و گمان می‌کنند و یا این طور به مردم می‌گویند که این پدیده‌ها فقط دشواری‌هایی است که به دلایلی غیر سرشتی عارض کشورهای سرمایه‌داری شده و خود ما دچار آن نخواهیم شد. چه اشتباه دردناکی! مارکس صد و بیست سال پیش به آلمانی‌ها می‌گفت من از انگلستان حرف می‌زنم اما: «این سرنوشت خودت است که نقل می‌کنم» امروز باید این حرف را به کسانی گفت که ریشه‌های اقتصادی سقوط رژیم‌هایی چون رژیم مصدق، سوکارنو و .. را نمی‌بینند و باید تکرار کرد:

### آقایان! این سرنوشت خود شماست که نقل می‌کنم.

باری، چگونه است که ماهیت نظام سرمایه‌داری برای ما و نه فقط برای ما بلکه برای بسیاری از مردم سایر کشورهای جهان ناشناخته می‌ماند؟ پاسخ این پرسش دو تاست یکی پاسخ عمومی که مربوط به همه کشورها بوده و از ویژگی‌های عمومی سرمایه‌داری است و دیگری پاسخی که مربوط به شرایط رشد سرمایه‌داری در کشور خود ماست.

۱. ویژگی عام سرمایه‌داری این است که این نظام، ریاکارترین نظام اجتماعی - اقتصادی تاریخ بشری است و با وسواس عجیبی چهره واقعی خود را می‌پوشاند و خود را غیر از آنچه هست معرفی می‌کند. در این نظام کارگر برده واقعی است و ما این را در صحبت‌های خود توضیح خواهیم داد. اما نظام سرمایه‌داری طوری ساخته شده که در ظاهر امر چنین وانمود می‌کند که ارزش حاصل از کار کارگر را تمام و کمال به او پرداخته است.

سرمایه‌داری دشمن مالکیت فردی تولیدکنندگان کوچک است و از میلیون‌ها دهقان و پیشه‌ور سلب مالکیت می‌کند اما چنین می‌نماید که گویا مالکیت خصوصی را مقدس می‌داند و می‌پرستد، سرمایه‌داری الزاماً به سوی انحصار تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی می‌رود و ماهیتاً آستن جنگ، استعمار و فاشیسم است، اما خود را نماینده ابتکار آزاد، دموکراسی، گسترش مالکیت و تقسیم برابر ثروت و امکانات و حتی مدافع صلح معرفی می‌کند. این نظام منشأ فساد باورنکردنی است. هرگز در تاریخ بشری فحشا، دزدی، استعمال مواد مخدر، تجاوز

به زنان و کودکان، ایجاد و گسترش باندهای آدم‌کشی، دزدی و جنایت و انواع انحراف‌های اخلاقی و جنسی را حدی نبوده که در کیفیت و کمیت قابل مقایسه با جامعه معاصر سرمایه‌داری باشد. هرگز در تاریخ، فحشا و قمار جزء «صنعت» و «خدمات» و «اقتصاد ملی» به حساب نمی‌آمده، اما امروز در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری امپریالیستی «صنعت فحشا» و «صنعت قمار» و نظایر آن وجود دارد که بخش مهمی از اقتصاد است و شرکت‌های مربوط به آن همه جا رسمی و قانونی هستند. با این حال سرمایه‌داری خود را مدافع معنویات و دین و مخالفین خود را ضد اخلاق و دین جلوه می‌دهد و در کشورها هم اگر انتقادی از فحشا و قمار بشود آن را مربوط به فرهنگ غرب معرفی می‌کنند نه مربوط به ماهیت و سرشت اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری.

در پنهان کردن ماهیت نظام سرمایه‌داری و بزرگ کردن این عفریت، دستگاه عظیم تبلیغاتی سرمایه‌داری و «دانشمندان و اندیشمندان» مدافع سرمایه و به ویژه **اقتصاد سیاسی عامی‌گرای** سرمایه‌داری نقش درجه اول دارند.

**اقتصاد سیاسی عامی‌گرای** سرمایه‌داری وظیفه دارد که ماهیت این نظام را از دیده‌ها پنهان کند و چنین وانمود سازد که این نظام بهترین و آزادترین نظام اقتصادی جاویدان بشری است و اگر هر عیب و علتی پیدا شود گناه چند نفر انگشت شمار است و نه گناه خود نظام. این «علم» دروغین وظیفه دارد این اندیشه نادرست را در اذهان عمومی جا دهد که هر اقدام علیه سرمایه‌داری گویا جنایتی است علیه «فطرت انسان» و گویا هر تغییری در اساس سرمایه‌داری اساس «انسانیت» و «معنویت» را از میان می‌برد و زن‌ها را اشتراکی می‌کند.

بنابراین ماهیت نظام سرمایه‌داری را به راحتی و از روی نوشته‌های عادی جامعه سرمایه‌داری نمی‌توان شناخت. این ماهیت را باید با شکافتن ماسک سرمایه‌داری کشف کرد.

۱. علاوه بر این ویژگی عمومی - چنان‌که گفتیم - مسائلی هم هست که خاص کشور ماست و آن اینکه سرمایه‌داری به تدریج و طی بیش از صد سال از خارج به کشور ما رخنه کرده و در این مدت کوشیده است خود را به مثابه یک نظام اقتصادی طبیعی و منطبق با سنن و دین و نیازهای جامعه ایران جا بزند و از آنجا که قالب برخی از اساسی‌ترین مفاهیم اقتصاد سرمایه‌داری شبیه مفاهیم پیش از سرمایه‌داری است در ظاهر چنین جلوه کرده که گویا با پیدایش سرمایه‌داری تغییر ماهوی در مناسبات اجتماعی ما حاصل نشده بلکه فقط «متمدن‌تر» شده و «ترقیات» ملل پیشرفته را پذیرفته‌ایم. مثلاً مفاهیمی چون سرمایه، دستمزد، تجارت، اجاره و نظایر این‌ها از قرن‌ها پیش از پیدایش سرمایه‌داری در کشور ما وجود داشته و در حقوق و فقه اسلامی هم وارد شده است. لذا چنین به نظر می‌رسد که بازار امروز ما و کارخانه‌ها و کارگاه‌های امروز ما گویا همان بازار و همان مکاسب و پیشه‌هاست که در ابواب فقه از آن‌ها سخن رفته و لذا مخالفت با سرمایه‌داری در نظر گروهی به حساب مخالفت با فقه اسلامی و موافقت با سرمایه‌داری نشانه وجود مشترکات میان اسلام

و سرمایه‌داری به حساب می‌آید.

در حالی که اگر دقت شود روشن خواهد شد که اقتصاد سرمایه‌داری فقط قالب و لفظ مفاهیم حقوقی و فقهی گذشته را حفظ کرده و آن‌ها را با محتوای جدیدی که متضاد با محتوای اصلی است پر کرده است.

مبارزه مردم ایران و روحانیت مبارز ایران به رهبری میرزای شیرازی علیه امتیاز تنباکو را نباید در همان حادثه محدود کرد آن روز امتیاز تنباکو لغو شد ولی رسوخ سرمایه‌داری وارداتی غرب به کشور ما ادامه یافت و در زمان رژیم منفور پهلوی مناسبات سرمایه‌داری وابسته با سرعت تمام بر اقتصاد ما مسلط شد. امروز دیگر نه بازار ما، بازار زمان میرزای شیرازی است و نه مناسبات مزد دادن در کشور ما شبیه آن زمان‌هاست. این تفاوت عمیق را باید شناخت و باید دانست که در پشت سر تغییر لباس و کشف حجاب رضاشاهی تغییر مناسبات اقتصادی هم وجود دارد که به مراتب مهم تر از تغییرات ظاهری است. کشف حجاب فقط عارضه‌ای است از رشد سرمایه‌داری وابسته، انعکاسی است از تغییر در مناسبات تولید و توزیع و تغییر ماهیت بازار.

خوشبختانه در میان دانشمندان اسلامی از چندی پیش این‌گونه مسائل اساسی مطرح شده است و چنان‌که گفتم آیت‌الله شهید مطهری به جدید بودن و مستحدثه بودن سرمایه‌داری معتقد است و در این مسأله تا آنجا پیش می‌رود که می‌نویسد: «اسلام مزد دادن را تجویز می‌کند اما این غیر از استخدام نیروی کار برای تولید است که می‌گویند مستلزم ارزش است».

و آیت‌الله شهید بهشتی نیز توصیه می‌کند که برای بررسی «مسائل و موضوعات جدید به اصطلاح امروزه حوزه‌های علمی، مسائل مستحدثه»، گردهمایی تشکیل شود. آقای بهشتی مسائل اجتماعی- اقتصادی معاصر را هم از این نوع مسائل می‌داند.<sup>6</sup>

بدون تردید ترور خائنه این بزرگان با روشن‌بینی آن‌ها مربوط است ولی متأسفانه این نوع نظریات بازتاب کافی پیدا نکرد و بررسی موضوع هنوز در مراحل اولیه است. خوشبختانه برجسته‌ترین فقهای اسلامی که به این موضوع پرداخته‌اند سرمایه‌داری را رد کرده و غیر اسلامی دانسته و کمتر کسی جرأت می‌کند که آشکارا از سرمایه‌داری دفاع کند ولی مشکل اصلی درست همین جاست که هنوز ماهیت سرمایه‌داری شناخته نیست تا معلوم شود سرمایه‌داری چیست که آن را رد یا قبول می‌کنیم؟

در پاسخ این پرسش بی‌مجامله باید گفت که سردرگمی وجود دارد و بسیاری از جویندگان حقیقت برای شناخت مسائل اقتصادی سرمایه‌داری به دانش اقتصادی سرمایه‌داران و مدافعان آن‌ها مراجعه می‌کنند و به دام می‌افتند.

هنوز این حقیقت بدیهی برای ما به تمامی لمس نشده است که از رژیم شاه فقط اقتصاد به ارث نرسیده بلکه به اصطلاح «علمی» هم که آن را توجیه و تطهیر می‌کند به ارث رسیده است. به اتکای ایدئولوژی سرمایه‌داری که وظیفه‌اش تدلیس است نمی‌شود سرمایه‌داری را شناخت. عجیب است که درست برادران

انقلابی مسلمان ما که معتقدند ایدئولوژی زیربنا و اقتصاد رویاست وقتی پای عمل به میان می‌آید ایدئولوژی اقتصادی سرمایه‌داری را تمام و کمال و بدون کمترین انتقادی می‌پذیرند و تئوری‌های مدافعان سرمایه‌داری را راحت و آسان قبول می‌کنند و در همین حال می‌خواهند مخالف سرمایه‌داری باشند. در ضمن صحبت این ادعاها را با دلیل و مدرک کافی ثابت خواهم کرد.

باری! باید توجه دقیق و اطمینان قطعی داشت که اقتصاد سیاسی عامی‌گرای سرمایه‌داری که از شاه به ارث رسیده و هم امروز در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و مطالب آن همه روزنامه‌های کشور را مستقیم و غیرمستقیم پر می‌کند کمکی به شناخت ماهیت سرمایه‌داری نخواهد کرد. مارکس درست به این دلیل تمام عمر خود را صرف بررسی ماهیت اقتصاد سرمایه‌داری کرد که خود دانشمندان بورژوازی از این کار امتناع می‌کردند و برای شناخت ماهیت سرمایه لازم بود که این مسئله علی‌رغم آن‌ها و جدا از آن‌ها به طور جدی و همه‌جانبه‌ای بررسی شود.

چنانکه می‌دانیم مارکس پایه‌گذار **سوسیالیسم علمی** است. اما برای اینکه نظریه سوسیالیستی خود را اثبات کند ابتدائاً لازم بود سرمایه‌داری را بشناسد و رد کند تا سوسیالیسم را جانشین آن سازد بنابراین می‌توان گفت که نظریه مارکس در عرصه اقتصادی مرکب از دو بخش است:

**یکی رد سرمایه‌داری و دیگری اثبات سوسیالیسم.** مارکس عمر خود را به طور عمده صرف بخش اول کرد و اثر بزرگ او کاپیتال به بررسی علمی اقتصاد سرمایه‌داری اختصاص دارد. با کمی دقت می‌توان دریافت که هر کس خواستار شناخت ماهیت سرمایه‌داری باشد ولو اینکه با نظرات سوسیالیستی مارکس هم همراهی نکند چاره‌ای جز آشنایی دقیق با نظریات مارکس ندارد.

مداحان سرمایه از یک سو و جلادان رژیم دیکتاتوری همچون رژیم شاه از سوی دیگر برای اینکه چهره واقعی سرمایه‌داری ناشناخته بماند از علم اقتصاد مارکسیستی غول وحشتناکی ساخته‌اند و چنان وانمود کرده‌اند که گویا آشنایی با نظرات اقتصادی مارکس در افشای سرمایه‌داری از گناهان کبیره است. در حالی که کاپیتال مارکس یک دانش کاملاً علمی و شبیه کتاب‌های علمی و دانشگاهی فیزیک و شیمی و طبیعیات است. در اینجا مارکس با وجدان علمی و با فرمول‌های دقیق ریاضی اقتصاد سرمایه‌داری را تشریح می‌کند و هیچ گناه دیگری مرتکب نمی‌شود.

ممکن است کسانی مخالف سوسیالیسم پیشنهادی مارکس باشند. این حق آن‌هاست ولی این مخالفت نباید به اینجا برسد که بخش مربوط به شناخت سرمایه را هم که یک علم واقعی است رد کنند اگر کسی با سرمایه‌داری واقعاً مخالف است چرا باید از افشا شدن چهره آن نگران باشد مگر سر سرمایه سر ماست؟ تکرار می‌کنیم که از رژیم شاه نه فقط یک اقتصاد وابسته بلکه همچنین نظریات اقتصادی ارتجاعی و وابسته هم به ارث مانده که برآذهان بسیاری مسلط است!

آیت الله شهید سید محمد باقر صدر با توجه به این نکات و با توجه به برخی روحیات نادرست در میان مسلمانان انقلابی تذکر می‌دهد که:

موقعیت اسلامی، یک محقق را ملزم نمی‌سازد که خود را در موضع دفاع از واقعیت سرمایه‌داری موجود... قرار دهد.<sup>۷</sup>

در خاتمه این مقدمه یک بار دیگر از فرصتی که به این جانب داده شده است تا چندکلمه‌ای درباره اقتصاد سیاسی مارکسیستی صحبت کنم صمیمانه متشکرم. وظیفه‌ای که به عهده گرفته‌ام این است که نظریه مارکس و مارکسیست‌ها را درباره ماهیت اقتصاد سرمایه‌داری توضیح دهم و سرشت سرمایه‌داری و ماهیت بهره‌کشی سرمایه‌داری را بیان کنم. این بخش چنان‌که گفتم علمی است مثل فیزیک و شیمی. کسی هم که مخالف سوسیالیسم بوده و خودش به جای سوسیالیسم نظام اقتصادی دیگری را پیشنهاد کند لااقل در شناخت ماهیت سرمایه‌داری غارتگر وابسته و طرد و رد آن ذینفع است.

وعده کردیم که این بحث‌ها مثلاً در ۱۰ جلسه دوساعته خلاصه شود طبیعی است که چنین بحث کوتاهی نمی‌تواند بررسی کاپیتال مارکس باشد و یا حتی آشنایی مجملی از اقتصاد سیاسی مارکسیستی به حساب آید. فقط کلیاتی است برای به دست آوردن یک تصور.

اگر برادران محترم به آشنایی کامل‌تری علاقه‌مند باشند باید ترتیبات دیگری داد.

۱. اشاره‌ای است به گفته پیامبر اسلام :

اطلب العلم ولوفی الضین: علم را بیاموز اگرچه در چین باشد.

۲. بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۶۱ ۳. به کتاب نظام اقتصادی اسلام شهید مراجعه شود.

۳. همان، صص ۳۵۹ و ۶۰ ۳ ص.

۴. همان، صص ۳۷۲ و ۵۸ ۳.

۵. همان، ص ۶ ۹.

۶. کیهان فرهنگی، شماره ۴، تیرماه ۳۶۴ ۱.

۷. اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۳ ۲.